

## کفایت مستندات فقهی و ادله متعارف جرم انگاری افساد فی الارض

محمد ابراهیم مجاهد<sup>۱</sup>، احمد عابدینی نجف آبادی<sup>۲</sup>، جواد پنجه پور<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> مدرس حوزه و دانشگاه، استاد راهنما دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

احمد عابدینی نجف آبادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰

### چکیده

قانونگذار ایران در نتیجه نقد و بررسی های فراوان از سوی فقها و حقوقدانان پیرامون وحدت یا ثنویت و استقلال دو عنوان محاربه و افساد فی الارض در نهایت در سال ۱۳۹۲ این عنوان عام جزایی را به عنوان جرمی مستقل از محاربه به رسمیت شناخت، و به دسته ای خاص از جرایم اختصاص داد. لیکن از نظر برخی محققان این عنوان عام به لحاظ مقول به تشکیک بودن و تفسیربرداری و قیود عام مورد استعمال، و نیز فقدان تعریف مشخص و نیز تشکیک در مبانی استنادی از سوی برخی محافل علمی و پژوهشی با انتقادات فراوانی مواجه شده است. این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی در راستای پاسخ به این پرسش اساسی که آیا این سیاست کیفری قانونگذار در اعلام استقلال جرم افساد فی الارض توجیهی دارد یا خیر؟ ساماندهی شده است. برای پاسخ به این پرسش صرفنظر از مرور بنیادین مفهوم فساد، ابتدا ناگزیر از تبیین مفهوم فقهی فساد و بررسی احتمالات و نسبت‌های میان این دو و معیارهای کلی فساد بودیم. سپس به بازکاوی مستندات و ادله کلاسیک جرم افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ به روش تحلیلی پرداخته شده است. همینطور ادله موافقان و مخالفان را نیز بیان نموده ایم. و در پایان نتیجه گرفته ایم که بدلیل صراحت و اتقان مستندات فقهی و ادله متعارف، مبنی بر اصالی بودن چنین عنوانی، مانعی از جرم انگاری افساد فی الارض وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** افساد فی الارض، کفایت مستندات، ادله متعارف، موافقان و مخالفان،

تنقیح مناط

## مقدمه

بدون تردید یکی از مباحث لازم التحقیق مقوله افساد فی الارض می باشد. در شایستگی این مهم تذکار چند مطلب اهداف و ضرورت این پژوهش را روشن می نماید: اولاً یکی از مقولات محل مناقشه و به تعبیری عام البلوی در فقه و حقوق کیفری، عنوان «افساد فی الارض» می باشد. دلیل عمده این مناقشه دوام راست: اولاً مخالفان معتقدند صرف نظراً عام و کلی و مقول به تشکیک بودن مفهوم فساد در، این تاسیس جزایی از نظر مستندات فقهی در متون اصیل فقهیه، فاقد کفایت و نصاب لازم در مقام انگاره ی مجرمانه است زیرا فقها در باب حدود شرعیه اهتمامی تام در تبیین جزئیات و ارایه تعاریفی مشخص با حدود و قیود و شرایط داشته اند خبث آنکه از این مقوله کیفری جز در مطاوی مخاربه و مباحث فرعی دیگر اشارتی نرفته است.

ثانیاً موافقان معتقدند چنین عنوان مجرمانه ای کاملاً منصوص و مصرح بوده و از پیشخوانه محکم فقهی برخوردار است و البته در اکثریتی از ابواب فقهیه به فراخور از آن بحث شده و صرف نظراً روایات تعمیم باب الخاکی محاربه مستظهر به دیگر مستندات فقهیه نیز هست. با مثالی به حل مناقشه تشکیکی بودن مفهوم فساد و افساد استمداد می جوییم. در مبحث اصول فقه در مقوله اشتراک لفظی بسیارند مفاهیمی که بدلیل عموم و اطلاق بیانگر دو معنی عام و خاص و مقید هستند. مثلاً واژه فارس در ادب فارسی یک وقت شامل همه ایران است و در هنگامه ای دیگر میتوان معنای خاص آن را اراده کرد یعنی استان فارس و بر آن آثاری بخصوصی بار کرد. واژه فساد و افساد فی الارض نیز چنین است. در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. معنایی خاص از آن مراد است. بدین ترتیب افساد فی الارض «یک پدیده مجرمانه ی ماهوی و عنوانی علیحده و مستقل کیفری است. مضافاً آنکه بنفسه واجد مختصات و مصادیق و موارد مشخص و معین و قابل احصاء و محتمل الوقوع در عالم خارج و اجتماع انسانی است. پس این عنوان شایسته تقنین در کان و متن مجموعه قوانین جزایی است. از این رو اراده قانونگذار در راستای اتخاذ این سیاست کیفری منطقی و منطبق بر آموزه های فقه جزایی بوده و قابل تحسین است.

ثانیاً استفاده از تعبیر افساد فی الارض انگونه که مفسران میگویند ما را به یک واقعیت در زندگی اجتماعی انسانها رهنمون می کند و آن اینکه جامعه انسانی در حقیقت یک مجموع واحد بیش نیست، بسان پیکر واحدی هست و از سویی مفساد اجتماعی، به معنای افساد فی الارض معمولاً موضعی نخواهند بود و اثر آنها در سایر اعضا پدیدار میگردد در یک منطقه نمی توان آنها را محصور ساخت، بلکه در سطح اجتماع و در روی زمین گسترش پیدا می کنند و از یک فرد ویا گروه به فرد و گروه دیگر سرایت خواهد کرد، و شعاع تاثیر آنها همه اجتماع انسانی را در بر خواهد گرفت. (مکارم ۱۳۷۶: استفاده از ذیل آیه شریفه ۳۳/مانده) بنابراین نمی توان در مقابل چنین بزه سهمگین و چونان گنهکاران مرده دل و مجرمان قانون گریزی که سلامت نظام اجتماعی بشری را بطور عمده و در حد وسیع و گسترده مخدوش می نمایند و به خطر می اندازند منفعل بود و در حاشیه عمل کردو یا به قوانین متفرقه دیگر که ناظر به سایر درجات مادون چنین مفهومی از فساد بوده و با ماهیتی متفاوت هستند؛ اکتفا کرد. بلکه به استناد منابع معتبر و منصوص و موجود افساد فی الارض به این مفهوم خاص شاسیسته جرم انگاری مستقل بوده، و خالی از اشکال است.

ثالثاً: با توجه به روایاتی که در مقام شرح و تفصیل آیه محاربه وارد شده و با عنایت به استنباط یکسان اکثر فقها و مفسران از آیه ۳۳/مانده، ما را به این نتیجه رهنمون میکند که قید «بحارون الله و رسوله» به کسانی اختصاص دارد که به قصد اخافه و سلب امنیت مردم مسلمان، تشهیر سلاح نمایند. همینطور ماحصل تحلیل نسبت دو عنوان مذکور از آن حیث که دائر مدار عام و خاص مطلق بوده روشن میگردد که مفاد آیه شریفه، محاربه ای است که به قصد وانگیزه افساد فی الارض باشد (و یسعون فی الارض فسادا). در نتیجه، استدلال به این آیه شریفه برای استنباط مجازات جرم افساد فی الارض و حتی بغی غیر قابل توجیه است. ولیکن بدون تردید میتوان با بررسی ادله شرعی دیگر، و تعلیل و احراز مستندات مجازات جرم افساد فی الارض و بغی را اثبات کرد.

این خامه پس از تبیین مفاهیم اساسی و بیان مستندات و ادله مستحصه متعارفه موافقان و مخالفان و اشاره به احتمالات معنن قید «و یسعون فی الارض فسادا» با بیانی ساده به تحلیل و تبیین مبانی جرم انگاری افساد مبادرت نموده است. البته ناگفته نماند مقالات حاضر کفایت بحث مستوفی در منابع و مستندات و تحلیل فروعات را نمی نماید و صرف طلیعه ای است برای ایجاد انگیزه در تتبعات وافی تر به مقاصد شارع مقدس و بالمآل مجالی دیگر میطلبد. ان شاء الله

## مفهوم شناسی

همانطور که اشاره شده یکی از اشکالات منتقدان جرم انگاری مستقل افساد فی الارض عدم وجود تعریف مشخص و دارای حدود و ثغور معین و به تعبیری جامع و مانع بوده است. در اجمال این تفصیل شایسته ذکر است ابتدا با مفهوم لغوی و سپس با مفهوم اصطلاحی فقهی و قانونی افساد فی الارض آشنا شویم.

### تعریف لغوی فساد:

در اینجا اجمالاً نظرات برخی از اهل لغت را پیرامون معنای لغوی مرور می‌نمائیم:

۱- راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الفساد خروج الشی من الاعتدال قليلاً كان الخروج او كثيراً و يضاده الصلاح» یعنی فساد عبارت است از خروج از حالت اعتدال یک چیز کم باشد یا زیاد و ضد آن می‌شود صلاح. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ق: ۳۷۴).

۲- صاحب روائع البیان در معنای فساد آورده است: «الفساد ضد الصلاح و كل ما يخرج عنه وضعه الذی يكون به صالحاً نافعاً يقال انه فسد.» یعنی فساد ضد صلاح است و بر هر عملی که از حالت صالح و سودمند خارج شود گفته می‌شود که آن فاسد است. (صابونی ۱۴۰۰ ج ۱: ۵۴۶).

۳- زبیدی در تاج العروس فساد را به معنای تغییر، بطلان، و اضمحلال و زوال صورت از ماده آورده است. (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ ق ج ۵: ۱۴۶).

### مفهوم اصطلاحی افساد فی الارض:

مفهوم اصطلاحی افساد فی الارض از معنای لغوی آن دور نیست. بطور خلاصه میتوان گفت افساد فی الارض عبارت است: «از هر فعل و یا ترک فعلی که جنبه افراط و خروج از حد معمول و متعارف داشته باشد و اثرات و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی و فرهنگی ببار آورد و موجب اخلال شدید و یا خسارت عمده گردد «افساد فی الارض» محسوب میشود.»

### تعریف قانونی افساد فی الارض

برخی حقوقدانان معتقدند چون افساد فی الارض در فقه تعریف نشده است بهترین مرجع تشخیص آن عرف است و در هر موردی رفع ابهام می‌نماید. از این جهت؛ تطبیق این مفهوم بر مصادیق را با اشراف نظر متخصصین و اهل فن دانسته و در پایان تصریح میکنند که در این عرصه مهم واکاوی مصادیق آن است و نه عنوان کلی آن. سپس در پایان اقدام به تعریف میکنند و می‌نویسند اقدام به هر عملی با قصد به فساد کشاندن گسترده جامعه اسلامی افساد فی الارض است هر چند که در حیطه قانونی وقوع عمل خارجی آن ضروری می‌باشد. (گلدوزیان و احمدزاده ۱۳۸۸: ۳۹)

اکنون اگر بخواهیم تعریفی مستفاد و مبتنی بر مواد قانونی و قانون مجازات اسلامی ارایه دهیم باید بگوییم:

«افساد فی الارض عبارت است از: هرگونه رفتار آگاهانه و عمدی خشونت بار و جنایت گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد و یا اخلال به امنیت ملی و اجتماعی و اقتصادی اعم از داخلی و یا خارجی و هر نوع اقدام شرورانه منجر به احراق و تخریب گسترده و نشر مواد سمی و میکروبی و بیولوژیک خطرناک و مبادرت به هر نوع عمل و رفتار و معاونتی که منجر به گسترش وسیع بی‌عفتی و اشاعه فحشا و منکرات در جامعه شود و نیز هر اقدام فراگیر کاذبی که منجر به هتک حیثیت ناحق دیگری گردد، و در نهایت موجب اخلال شدید در نظم عمومی و نا امنی و خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی گردد، مرتکب مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم میشود.»

با عنایت به نگاهی کلی به استعمالات قرآنی و آنچه در اینجا در باب مفهوم لغوی و اصطلاحی افساد آورده ایم میتوان به این مطلب رهنمون شد که معنای جامع و مشترک همه آنها همان «خروج از حالت توازن و اعتدال و نظام متعارف و معمولی و نیز تشریحی» است.

اکنون پس از آگاهی مختصر از مفهوم و ماهیت فساد و افساد به کاوشی مختصر در مستندات فقهی این پدیده مجرمانه مبادرت میشود.

### مستندات جرم انگاری افساد فی الارض

برخی قائل به تصریح و تقنین جرم افساد فی الارض در مجموعه قوانین هستند و آن را مستند به نصوص شرعیه می دانند. این گروه برای اثبات ادعای خویش مبنی بر چنین عنوان مجرمانه ای آن هم به عنوان جرمی مستقل و مصرح و مشخص مجموعاً<sup>۱</sup> به ادله ی زیراستناد نموده اند: ۱- کتاب ۲- سنت ۳- اجماع ۴- ارتکاز عقلا. البته از جهتی قیاس عرف و سیره عقلائییه و سد ذریعه که شاید جملگی مشیر به رهنمود حکم عقل باشند نیز میتوانند بعنوان مستندات این عنوان جزایی مورد بحث واقع شوند در این فرصت این موارد را اجمالاً مورد بررسی قرار میدهیم:

#### کتاب حکیم

آیات قرآنی فراوانی ناظر به مجازات مفسدین و تبهکاران اجتماعی است. این مختصر گنجایش بسط مقال و تفصیل این بحث را ندارد، ولی از آن حیث که یکی از محکمترین منابع استنادی جرم افساد فی الارض نصوص قرآنی و آیات فراوانی است که بر تقبیح سلوک مفسدان اجتماعی و افراط گران در امر فساد تاکید دارند و خواستار مجازات و دفع و حذف آنها از صحنه اجتماع انسانی شده اند. اجمالاً باید گفت آیات فساد با توجه با ویژگی های خاص به دسته های مختلفی تقسیم میشوند. که در مطلب بعدی نمونه آن خواهد آمد.

#### دسته بندی کلی مفاسد در قرآن

در قرآن کریم واژه فساد با ریشه و مشتقات آن درمعانی مختلف استعمال شده است و نویسندگان و مفسران هر یک به شیوه های مختلفی دسته بندی کرده اند.

در قرآن کریم واژه فساد، ریشه و مشتقات آن، ۴۹ مرتبه و در معانی مختلف تکرار شده است که میتوان در نه دسته کلی گنجاند.

الف) فساد در معنای شرک، تزویر و ضعف ایمان، دعوت به کفر و انحطاط: مستفاد از آیات ۱۸۶ و ۱۰۳ سوره اعراف، ۴۰ و ۹۱ سوره یونس، ۱۱ سوره بقره و ۱۴ و ۸۸ سوره نحل.

ب) فساد در معنای کشتار و قتل و هالکت، طغیان و پیکار: مستفاد از آیات ۴ سوره اسراء، ۶۴ سوره کهف، ۷۱ سوره مؤمنون، ۳۴ سوره نمل، ۱۲ سوره فجر، ۳۰ سوره بقره و ۶۴ سوره مائده

ج) فساد در معنای افساد در معنای بدعهدی، پیمان شکنی، نافرمانی از خداوند و قطع. صلهرحم: مستفاد از آیات ۲۷ سوره بقره، ۲۵ سوره رعد، ۲۲ سوره محمد (ص)

د) فساد در معنای کمفروشی و تجاوز به حقوق دیگران: مستفاد از آیات ۸۵ سوره هود، ۳۶ سوره عنکبوت، ۱۷۳ سوره شعراء، ۸۵ سوره اعراف و ۶۰ و ۲۲۰ سوره بقره

ه) فساد در معنای ظلم و ستم و گناهکاری: مستفاد از آیات ۷۷ و ۸۳ سوره قصص، ۱۱۶ سوره هود و ۵۶ سوره اعراف و) فساد در معنای سحر: مستفاد از آیه ۸۱ سوره یونس.

ز) فساد در معنای سرقت و جاسوسی: مستفاد از آیه ۷۳ سوره یوسف

ک) فساد در معنای اسرافکاری: مستفاد از آیه ۱۵۲ سوره شعرا

ل) فساد در معنای نابودی حرث و نسل: مستفاد از آیات ۲۰۵ سوره بقره، ۴ سوره قصص و ۳۰ سوره عنکبوت. از مجموع تفاسیر ارائه شده پیرامون آیات مبارکه فوق، استفاده میشود که «فساد» به طور کلی دارای معانی گسترده ای است و همه آنها در معنای لغوی آنکه همانا تحقق امری ضد صلاح و خروج از حد اعتدال است، ریشه دارد. (وطنی و فرهود ۱۳۹۷: ۱۴۳)

مضافاً استدلال به آیات شریفه برای استنباط حکم شرعی زمانی مقبول است که با مجموع روایاتی که در مقام بیان تفسیر آن آیه شریفه هستند، بررسی شوند. توجه به برداشت قدمای فقهای امامیه نیز موجب اتقان استظهار از آیات و روایات شریفه

می شود. این سخن در آیاتی که در مقام بیان حدود الهی و تشریح مجازات هستند، بیشتر مورد نظر است. مشهور فقهای امامیه آیه ۳۳ سوره مائده، که مشتمل بر دو قید «یحاربون الله» و رسوله «و یسعون فی الأرض فسادا» است، را در مقام بیان یک نوع جرم دانسته اند و معتقدند این آیه فقط حدّ محاربه را تشریح کرده است. در مقابل، بعضی از فقها با استظهار از قید اول، درصدد استنباط مجازات «بغی» و با استدلال به قید دوم سعی دارند جرم «افساد فی الارض» اثبات کنند «ثمّ إنّ ما استظهرناه من الآیة من العموم و أنّ الإفساد فی الأرض بعنوانه تمام موضوع لترتب أنواع الحدود المزبورة قد قال به الشيخ قدّس سرّه فی التهذیب» (مومن قمی، ۱۴۱۵ ه ق: ۴۱۰)

در حالیکه در آیات فراوان دیگری از جمله آیه ۶۴ سوره مائده همین قید «ویسعون فی الارض فسادا» با ترجیح و تاکید بر شدت برخورد با مفسدان صراحت دارد. اگرچه صدر آیه در راستای نفی نظریه یهود مبنی بر انقطاع فیض وجودی و اثبات توحید در بقاء است، ولی بلا شک ذیل آیه این راهبرد عقیدتی یهود را منشا اثر در نوع خط مشی وسلوکی میدانند که ساعی در فساد در گستره اجتماع است و شدیداً مورد نهی شارع مقدس واقع شده است.

### مفهوم شناسی «سعی» و «فساد»

سوال اساسی این است که مراد از مفاهیم «سعی» و «فساد» در عبارت «ویسعون فی الارض فسادا» چیست؟ قبل از ورود به نقد و بررسی و مباحث تحلیلی شایسته است با ابتدا مفاهیم سعی در عبارت (ویسعون) و عبارت (فسادا فی الارض) اجمالاً آشنا شویم.

#### مراد از «سعی»

واژه سعی و مشتقات آن مجموعاً ۲۶ بار در قرآن کریم بکار رفته است. سعی در لغت در چند معنی استعمال شده که از هم دور نیستند و میتوان میان آنها حکم به معنای واحدی داد. ۱- «سعی» در معنای عام و بسیط لغوی به معنای «راه رفتن آمده» است. (ابن منظور ۱۴۱۴ ه ق ج ۴: ۳۸۵)

۱- نزد برخی دیگر از اهل لغت به معنای عمل و کسب و کار تصرف آمده است. (طریحی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۱، ۲۱۸- جوهری الصحاح ۱۴۱۰ ه ق ج ۶: ۳۴۵)

۲- ابن اثیر «قصد کردن را» بر معانی فوق افزوده اند. (ابن اثیر ۱۳۶۴: ۳۷۰)

۳- راغب در مفردات و قطب راوندی در فقه القرآن، به «جدیت و کوشش در هر کاری» معنی کرده اند. (راغب ۱۴۱۲ ه ق: ۴۱۱ - قطب راوندی ۱۴۰۵ ه ق: ۳۶۵)

۴- حسن مصطفوی در التحقیق همه معانی فوق را برحسب کاربرد و به مقتضای استعمال معنای آن دانسته اند. (مصطفوی، حسن ۱۴۰۲ ه ق: ذیل واژه سعی)

قدر جامع و منظور اصلی از «ویسعون» در عبارت «ویسعون فی الارض فساداً» عبارت است از: تلاش هدفمند و برنامه ریزی شده و مستمر و جدی به انگیزه ایجاد اخلال و افساد در جامعه اسلامی فرقی نمیکند که قلمرو آن محدود و بخشی باشد و یا کلیه ابعاد و سیستم های نظام اسلامی و تمامی قلمرو آن منظور نظر باشد.

#### مراد از افساد در زمین در عبارت «فی الارض فسادا»

با عنایت به اضافه شدن «فساد و افساد» به الارض و زمین از اطلاق دامنه آن کاسته می شود و مقید می شود، به آن گونه مفسادی که در بستر زمین و در عرصه زندگی اجتماعی بشری بتوسط او تحقق یابد.

در این مقطع اجمالی از مباحث تحلیلی و انتقادی حول مسئله «افساد فی الارض» را با اشراف و مرور نظرات علما را به نظاره می نشینیم.

#### بررسی احتمالات سه گانه در خصوص قید «فی الارض»

مقدمتاً باید گفت از نظر قواعد ادبیات «فی الارض» جار و مجرور و متعلق به فساد است و از این جهت فاقد ابهام و مناقشه است؛ اما در رابطه با تقيید «فساداً» به - فی الارض - محققان در این رابطه احتمالات مختلفی داده اند. یکی از فقهای معاصر نظرات فقهای سلف را بصورت بدیعی بیان داشته که ملخص بیان تفصیلی ایشان این است:

احتمال اول اینکه این تقيید صرفاً بیان ظرف و محلی برای حلول و حدوث فساد باشد. یعنی زمین ظرفی است که ارتکاب تمامی مفساد به وقوع پیوسته لاجرم در آن قرار می گیرند.

این احتمال مردود شناخته شده است. در پاسخ به این احتمال گفته شده که چنین احتمالی بسیار مستبعد بوده و علی الاصول ناصواب است. به دلایلی چند از جمله:

لازمه پذیرش چنین قیدی لغو و زاید بودن نفس قید (فی الارض) در آیه شریفه است. زیرا بداهت اینکه زمین محل معیشت و گذران زندگی انسان است و هر فعلی از افعال انسان چه خوب و مستحسن باشد و چه بد و مستهجن لاجرم بر روی زمین تحقق و نمود پیدا خواهد کرد. (هاشمی شاهرودی ه ق ج ۱۲-۱۱: ۱۸۰)

و اما احتمال ثانی، دومین احتمالی که فقها در راز گشایی از این قید عنوان نموده اند این که ناظر به دلالت بر «گسترده‌گی و فراوانی و شیوع فساد در میان مردم» است. نقطه مقابل آن همان فسادهای فردی و جزئی است. (هاشمی شاهرودی ۱۳۷۸: ۲۳۷) برخی نویسندگان گفته اند که این احتمال با برداشت فقها و مفسران و نیز فهم عرفی از این عبارت مناسبتر است. (بای ۱۳۸۵: ۳۲)

در رد این احتمال نیز گفته شده؛ که اولاً این قید هرگز ناظر به کیفیت ترابط نسبت میان فساد و زمین نبوده و درصد بیان آن نیست. ثانیاً گاهی بر یک جرم جزئی و غیر شایع نیز عنوان افساد فی الارض صدق می کند. مثلاً اگر حتی یک نفر در مکانی خاص و یا در یک راهی محدود که کم تردد است اقدام به تجرید سلاح نماید و بطور علنی سلاح بدست گیرد و تهدید کند این کار او فساد در زمین شمرده می شود و مشمول اطلاق آیه خواهد بود. با آنکه جرمی شخصی است که از یک نفر و چه بسا بر روی یک نفر انجام گرفته است و مصداق شیوع در فساد نیست، آری اگر مقصود از شیوع فساد، آن باشد که جرم و فساد بر روی زمین آشکارا صورت گرفته باشد یا جرمی عام بوده و متوجه شخص خاص نباشد، با توجه به نکته‌ای که در احتمال سوم مطرح خواهد شد، می توان از ترکیب آیه چنان معنایی را به دست آورد (شاهرودی هق، ج ۱۲-۱۱: ۱۸۰)

و اما احتمال ثالث، سومین احتمالی که داده شده آن است که تقیید افساد فی الارض برای دلالت بر این معناست که فساد در زمین حلول می کند و زمین فاسد می شود. به این معنا که افساد در زمین یعنی «تباه کردن آن» و حالت تصالح و سروسامان یافتگی و صلاحیت استقرار و زندگی آرام و مسالمت آمیز در آن تباه شود و از بین برود. نه آنکه ذات زمین تکویناً از بین برود و فساد یابد. و این توجیه امری است که هم وجدان عرفی و هم ملاحظه سایر موارد استعمال این ترکیب در آیات مشابه، بر آن گواهی میدهد. (اعرف/۵۶ و ۸۵ و بقره/۳۰ و ۲۰۵-قصص/۷۵-ص/۲۸-یوسف/۷۳-و مائده/۳۲). (هاشمی شاهرودی ۱۳۷۸: ۲۳۷)

### اشکال براستدلال انحصاری به دوفقره از آیات شریفه برای جرم انگاری افساد فی الارض

صرف نظر از آیات فراوان در این رابطه، برخی فقها، به آیه ۳۳ و بویژه آیه ۳۲ سوره مائده برای اثبات تنصیبی و مشروع و مصرح بودن عنوان مجرمانه «افساد فی الارض» استناد نموده اند. این آیات مباحث فراوان و حتی جنجالی و بحث انگیزی را میان فقها به خود اختصاص داده است که تفصیل آن در مبحث مربوط خواهد آمد.

بسیاری، آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده را به دلیل تصریح شارع مقدس به عبارت افساد فی الارض مستند جرم انگاری آن قرار داده اند. لیکن به جهت فهم و برداشت متفاوت از آیات مزبور در خصوص ماهیت، گستره ی مجازات عنوان جزایی مزبور دچار اختلاف شده اند (ا گلیپایگانی موسوی ۱۴۱۴ ج ۳: ۳۱۹)

آیه اول: بر استدلال به آیه شریفه ۳۲ سوره مائده بر جواز قتل مفسد فی الارض مطلقاً اشکالاتی وارد کرده اند: و آن اینکه آیه شریفه فقط دلالت دارد بر مفسد فی الارض را بعلمت افساد فی الارض باید کشت ولیکن دلالت ندارد که هر مفسدی را باید کشت. بنابراین اشکال شده پس آیه شریفه در مقام بیان تمامی احکام مرتبط با مفسدان نیست، بلکه فقط اجمالاً در مقام بیان جواز قتل و مفسد فی الارض است و لا غیر. اینکه افساد فی الارض به تنهایی و یا با لحاظ شرایطی دیگر برای مجازات قتل کافی است، در آیه شریفه مورد اشاره قرار نگرفته است بنابراین با چنین اجمالی نمی توان به این آیه جهت اثبات اعدام مفسد فی الارض تمسک نمود. (هاشمی شاهرودی مستفاد از بایسته ها ۱۳۷۸: ۲۵۱)

نتیجه مطلب این میشود که پس بنابراین آیه شریفه در مقام بیان حکم مستثنی منه است و نه مستثنی. پس هر چند مستثنی منه اطلاق دارد و جواز قتل را در غیر دو مورد نامبرده نفی نمیکند، مستثنی اطلاق ندارد. بلکه دلالت میکند بر جواز اعدام در این دو مورد بنحو اجمال. همانگونه که هر قتل نفسی مجوز اعدام نیست بلکه شرایط خاصی دارد و در موارد بخصوصی اجرا

میشود. بسا هر افساد فی الارض مجوز اعدام نباشد، بنابراین قدرمتیقن از آیه شریفه ۳۲ مائده آن است که به قرینه آیه بعد تفسیر شود. (منتظری ۱۴۰۹ ه ق: ۲۵۰)

برخی نویسندگان حقوق با این تفاسیل قانع نشده اند و اظهار داشته اند که نتیجه آن میشود که اساسا مفهوم افساد فی الارض اجمال دارد و عرف درک روشنی از آن ندارد و هم از نظر مفهوم و هم از نظر مصداق نمیتوان امری مبهم را از آیه شریفه استفاده کرد (برهانی ۱۳۹۴ ه ش: ۲۴)

بر همین اساس برخی نویسندگان گفته اند شارع می بایست برای افساد شرایط و قیودی را ذکر میکرد و نکرده و مهملم گذاشته پس باین وجود اجمال مفهومی به مصادیق نیزسرایت میکند که این از شارع حکیم مستبعد است. اما با این توصیف برخی محققان گفته اند؛ میتوان با تمسک به اطلاق آیه، احتمال وجود قیود و شرایط را نفی نمود. (نک: بای ۱۳۸۴: ۳۷) چون اگر لازم بود حتما ذکر میکرد

در پاسخ گفته شده که این استدلال مخدوش است زیرا بار اثبات بر عکس است و مدعی مترصد تمسک به اطلاق آیه و تشبث به مقدمات حکمت است که اهم آنها در مقام بیان بودن شارع است در حالیکه این امر قابل اثبات نیست. زیرا اساسا شارع در هیچ مجازات قرآنی چنین نیست که شارع در مقام بیان تمام شرایط اثباتی و قیود دخیل در موضوع بوده باشد. بنابراین، این استدلال وافی به مقصود نبوده و تمسک به اطلاق در خصوص آیه شریفه نوعی مصادره به مطلوب است. پس آیه شریفه اساسا در مقام جرم انگاری جزایی مستقل و بیان میزان و نوع مجازات مفسدان نیست. بلکه نهایت امری راکه بیان میدارد قبح وزشتی رفتار ایشان است. (موسوی گلپایگانی ۱۴۱۴: ۳۸۲)

بنابراین باید گفت آیه شریفه مبتلا به اجمال است و امکان تمسک به آن وجود ندارد و اگر اصرار بر رفع اجمال باشد باید گفت که صرفا در موارد محدودی که در روایات برای آنها، مجازات اعدام تعیین شده، مصادیق افساد مذکور در آیه شریفه است و دهها مصداق و مورد، چه از امور مستحدثه و چه از امور غیر مستحدثه، از شمول آیه خارج است. (مرعشی شوشتری بنقل از وطنی و فرهود ۱۳۹۷: ۱۴۸)

- آیه دوم مورد استناد: آیه دیگر مورد استناد آیه ۳۳ سوره شریفه مائده است می فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون الله و الرسول و یسعون فی الارض فسادا...»

توضیح استدلال این است که کلمه جزاء در آیه دلالت دارد بر اینکه انواع مجازاتهایی که در آیه شریفه آمده انواعی از حد هستند که مفسدین و محاربین در برابر اعمالی که مرتکب میشوند بر آنها اعمال میشود و علت آن میتواند دو چیز باشد: یکی محاربه با خدا و رسول و دیگری افساد فی الارض مضافا به اینکه محاربه خدا و رسول عبارت است از قیام در برابر حکومت اسلامی و بدیهی است که چنین اعمالی یکی از مصادیق بارز افساد فی الارض می باشد. هر چند افساد فی الارض اختصاص به چنین قیامی ندارد بلکه اعم است. زیرا کسی که اقدام به پخش مواد مخدر نماید تا دیگران را مبتلا سازد و یا کوشش در گرفتاری آنها به مواد مخدر و یا مفاسد دیگری همانند زنا لواط و سایر گناهان مرتکب شود سعی در فساد فی الارض است هر چند شمشیر و سلاح همراه نداشته باشد. بدین ترتیب ذکر محاربه در آیه و سپس عطف سعی در فساد فی الارض بر آن این حقیقت را روشن میسازد که علت اساسی این همه مجازاتها سعی در فساد فی الارض است. بنابراین اگر عنوان سعی در فساد در روی زمین محقق گردد خواه با سلاح باشد و یا بدون سلاح مجازاتها های حدی که در آیه آمده است جاری میگردد به عبارت دیگر با دقت در آیه شریف روشن میگردد که علت تامه انواع حدودی که در آیه شریفه آمده است آن است که مجرمین مذکور مرتکب سعی در فساد فی الارض شده اند. پس در هر موردی که این علت محقق شود همان مجازاتها نیز محقق خواهد شد. زیرا هر معلولی در سعه و ضیق خود دائر مدار وجود خود می باشد (مومن قمی ۱۴۱۵ ه ق: ص ۴۱۰ به بعد)

وی سپس می نویسد: این استدلال بسیار مخدوش است زیرا این استدلال وقتی میتواند درست باشد که آیه شریفه دلالت عرضی بر علت تامه سعی در فساد فی الارض بر اجرای یکی از انواع مجازاتها مذکور در آیه داشته باشد در روی زمین سپس میفرماید:

«فالمراد بالمحاربة و الإفساد؛ علی ما هو الظاهر؛ هو الإخلال بالأمن العام، و الأمن العام إنما یختل بإيجاد الخوف العام و حلوله محلّه، و لا یكون بحسب الطبع و العادة إلا باستعمال السلاح المهدد بالقتل طبعاً، و لهذا ورد فیما ورد من السنة تفسیر الفساد فی الأرض بشهر السیف و نحوه» (طباطبایی ۱۳۸۷ ج ۵: ۳۵۴)

بنابراین، چنانکه ظاهر است، مراد از محاربه و افساد، همان اخلال در امنیت عمومی است. و امنیت عمومی فقط با ایجاد ترس عمومی و قرار گرفتن ترس به جای امنیت، مختل می‌شود. ترس عمومی نیز طبعاً و عادتاً فقط از طریق به کارگیری سلاح و تهدید به قتل، ایجاد می‌شود. از این روست که فساد فی الارض در روایات، به کشیدن شمشیر و سلاح‌های کشنده دیگر تفسیر شده است.

به این ترتیب آیه نمیتواند در معنای اول و یا دوم داشته باشد بلکه دلالت آن با وجود احتمال سوم مجعل میگردد و نمیتوان احکام مذکور را به هر مفسد فی الارض به عنوان حد جاری دانست و بر فرض آنکه افساد فی الارض بعنوان علت آمده است. اما این یک علتی است مقول به تشکیک و همانطوری که میتواند برای احکام چهارگانه باشد میتواند علت برای مجازاتهای دیگری نیز بوده باشد.

خلاصه باید پذیرفت، که فساد و افساد مقول بالتشکیک است؛ و این ظالمانه است که گفته شود هر مفسد فی الارض در هر درجه ای از فساد باشد، یکی از احکام چهارگانه مذکور در آیه در باره آن جاری میگردد. و اگر چنین بود این تقسیم بندی های حدی و تعزیری صحیح نبود و به هیچ وجه عدالت در اجرای مجازات نسبت به جرائم گوناگون محقق نمی‌گردید.

اگر گفته شود ملاک در اجرای احکام چهارگانه مذکور در آیه نفس فساد فی الارض (مفسد بما هو مفسد) است آن را تعریف نماییم با کمال تأسف میگویند: لازم نیست بلکه می‌گویند فساد و افساد یک امر عرفی است و حاکم خود میتواند چنین امری را تشخیص دهد ولیکن این سخن موجب شگفتی است. زیرا درست است که فساد یک امر عرفی است اما آیا همه فسادها و افسادها در یک درجه هستند؟ و یا درجات مختلفی دارند؟ و آیا میتوان برای همه آنها در هر درجه ای که باشند یک مجازات در نظر گرفت؟ (مرعشی شوشتری ۱۳۷۳: ۲۳ و ۲۲)

به نظر ما حکم قتل مفسد فی الارض برای دفع فساد یک مسأله عقلایی است، هر چند سیره عملی نیست که بتوان به آن استناد کرد بلکه حکمی عقلایی است و هرگاه شرع و لو اجمالاً با آن موافق باشد، عرف از موافقت شارع، اطلاق این حکم را می‌فهمد چرا که حکم خود عرف نیز مطلق بوده است. (مومن قمی، بی تا ج ۳۵: ۵۰)

بنابراین در جرائم نمیتوان یک عنوان کلی مقول به تشکیک را موضوع مجازات قرار داد و همه آنها را مشمول احکام چهارگانه مذکور در آیه قرار داد. (مرعشی شوشتری ۱۳۷۳: ۲۳ و ۲۲)

البته چنانچه خواهد آمد آری افساد بما هو افساد نمی‌نواند موضوع خودش بنفسه واقع شود. ولی واقعیت آن است که افساد بما هو مصادیق فقهیه مستند باب روایات تعمیم و نیز عناوین مذکوره در قانون مجازات اسلامی با آن اوصاف و شرایط و نیز در هر عرصه دیگری که این اوصاف تحقق یابد، ولو فضای سایبری و اینترنتی باشد، مانعی از احراز «افساد فی الارض» بودن آنها نمی‌باشد.

## سنت

عبارت است از مجموعه روایاتی که بعنوان مصادیق فقهی قابل تعمیم به مفسد فی الارض از آنها یاد میشود که در وسایل الشیعه ذیل باب حد محاربه و نیز استبصار و تهذیب و کافی و عیون و سایر کتب حدیثی با اندک اختلافی وارد شده اند در اینجا فقط از باب نمونه فهرست موارد ذکر میشود. مانند:

### روایت فضل بن شاذان در نهی از کشتار نواصب در دارالتقیه (لا یجوز قتل احد من النصاب و الکفار فی دارالتقیه) این

روایت را صدوق هم در کتاب خصال و هم در عیون الاخبار آورده است. در خصال آن را به سندی روایت کرده که افراد مجهولی در آن قرار دارند و این سند از طریق همین افراد مجهول منتهی می‌شود به اعمش و او از امام صادق (ع) در حدیث شرایع الدین آن را روایت کرده است. وسائل، باب ۵ از ابواب حد المرتد، ج ۱۸، ص ۵۵۲، ح ۶ و باب ۲۶ از ابواب جهاد، ج ۱۱، ص ۶۲، ح ۹- و خصال، ص ۶۰۷، ح ۹.



**معتبره سکونی در نهی از احراق (وسائل)، باب ۵ از ابواب حد المرتد، ج ۱۸، ص ۵۵۲، ح ۶ و باب ۲۶ از ابواب جهاد، ج ۱۱، ص ۶۲، ح ۹-وخصال، ص ۶۰۷، ح ۹. طوسی، ۱۳۶۵، ۱۰: ۲۳۱**

**نباشی (مقنعه، ص ۸۰۴. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنْ عَلِيًّا عَ قَطَعَ نَبَاشَ الْقَبْرِ فَقِيلَ لَهُ أَ تَقَطُّعُ فِي الْمَوْتَى فَقَالَ إِنَّا لَنَقَطُّعُ لِمَوَاتِنَا كَمَا نَقَطُّعُ لِحَيَاتِنَا» (طوسی، ۱۳۷۸/۱۴۰۷ ه ق ج ۱۰: ۱۱۷) استبصار، ج ۴. ۲۴۵)**

**مجازات قاتل اهل ذمه (وسائل الشیعه، ج ۲۹، باب ۴۷ از ابواب قصاص نفس ص ۱۰۷).- کلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۰- جَعْفَرُ بْنُ بَشِيرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: قُلْتُ رَجُلٌ قَتَلَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ قَالَ لَا يُقْتَلُ بِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُتَعَوِّدًا لِلْقَتْلِ؛ طوسی، ۱۳۷۸/۱۴۰۷ ه ق: تهذیب الأحكام؛ ج ۱۰: ۱۹۰؛ صدوق، همان، ۴: ۱۲۴)**

**تکرار کنندگان محرمت صحیحہ یونس از امام موسی کاظم (ع) به عنوان یک قاعده کلی آمده است: «اصحاب الكبائر كلها اذا اقيم عليهم الحد مرتين قتلوا في الثالثة» (کلینی، ۱۳۶۷، ۷: ۱۹۱). ۵- شیخ مفید ۱۴۱۰ ج ۵: ۸۰۵ و محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۱: ۴۹۶-**

**مجازات آدمربایی و آدمفروشی که بنا بر قول مشهور فقها دست او قطع خواهد شد. و دلیل آن هم افساد است و نه سرقت. (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۲ و نیز ر.ک: طوسی، بی تا: ۷۲۲؛ ابن ادریس، همان: ۳: ۴۹۹)**

**روایات مجازات احتیال (طوسی ۱۳۹۰ ه ق/ ۱۳۷۵، استبصار، ج ۴: ۲۴۵)**

**وساحری «و قد روى أصحابنا أنّ السّاحر يقتل و الوجه في هذه الرواية أنّ هذا من السّاحر افساد في الأرض و السعي فيها به و لأجل ذلك وجب فيه القتل. خلاف، ج ۲، ص ۱۶۳، کتاب کفارة قتل- مسأله ۲۰. «سَاحِرُ الْمُسْلِمِينَ يُقْتَلُ وَ سَاحِرُ الْكُفَّارِ طوسی، ۱۴۰۷ ه ق تهذیب الأحكام؛ ج ۱۰، ص: ۱۴۷ و مصادیق و موارد فراوان دیگری نیز مشاهده می شود که اعمال برخی از مجازات های خاص از باب «افساد فی الارض» دانسته شده است.**

### اجماع:

قایلین به جرم انگاری معتقدند که این اجماع از کلام سید ابوالمکارم بن زهره بدست می آید. زیرا وی در کتاب غنیه در ارتباط با مفسد فی الارض و در ذیل فروع مذکور می فرمایند: «بلاخلاف بین اصحابنا فی ذالک کله...» یعنی در تمام موارد مذکور بین اصحاب ما اختلافی نیست. ولیکن ادعای اجماع در چنین مسئله ای که محل اختلاف میباشد و مدرک آن نیز معلوم نیست، مخدوش است. (ذیل عبارت ایشان «لاخلاف فی ذلک کله» حاکی از عدم اختلاف فقها در این حکم است. (مومن قمی بی تا ج ۳۵: ۳۶ نیز همو ۱۴۱۵: کلمات سدید: ۳۹۹)

عبارت این فقیه معاصر در نقد اجماع ادعایی این است: «برخی این عبارت ابن زهره را حاکی از اجماع پنداشته اند در حالی که اولاً، در عبارت ابن زهره «لاخلاف» آمده است و نفی خلاف اعم از اجماع است؛ چون عدم اختلاف با عدم تعرض عده ای از فقها نسبت به اصل مسأله جمع می شود و احتمال دارد اگر متعرض آن می شدند، فتوا به جواز قتل نمی دادند. ثانیاً، با فرض ثبوت این اجماع، احتمال دارد مدرکی باشد و شاید اجماع کنندگان به بعضی از ادله ای که در کتاب و سنت آمده است، استناد کرده باشند. پس چنین اجماعی کاشف از رأی معصوم (ع) یا دلیل دیگری غیر از آیات و روایات نیست و ارزشی در استدلال ندارد.» (مومن قمی بی تا ج ۳۵: ۴۵)

آیت اله منتظری در پاسخ به سوالی در این زمینه میفرمایند: آیا «افساد فی الارض» به لحاظ شرعی، موضوع حد شرعی مستقل از محاربه است؟

جواب: در عنوان «افساد»- نه از نظر لغت و نه از نظر مصطلح قرآنی و روایی و فتاوی فقها- قید سلاح اخذ نشده است؛ هر چند بر همه افراد «محاربه» عنوان «مفسد» نیز صادق است. همچنین شرط «اخافه الناس» نیز در عنوان «افساد» و در «مفسد» لحاظ نشده است. عدم اعتبار سلاح و اخافه در عنوان افساد با تتبع در آیات قرآنی به خوبی روشن می شود. (نجف آبادی منتظری، ج ۲: ۵۲۱)

مستفاد از کلام این فقیه اندیشمند متبع آن است که محذوری از شرعی بودن این حد وجود ندارد.

**حکم عقل:**

برهیچ کس پوشیده نیست که به مقتضای حکم عقل، حفظ امنیت اجتماعی مردم و کیان جامعه امری ضروری است. وانگهی یک سری اقدامات تهدید کننده و خطرآفرین وجود دارد که بطور کلی سالب امنیت عمومی مردم و اساس جامعه بوده و با عنایت به تایید شارع مقدس ضرورت دارد که در قلمرو عناوین قانون مجازات اسلامی قرار گیرند «دفع فساد المفسدین فی الأرض و قتلهم إذا توقف رفع فتنتهم علیه أيضا مما ارتکزت علیه عقول العقلاء» (مؤمن قمی ۱۴۱۵ ه ق: ۴۰۱)

وی سپس در فرازی دیگر می افزاید: «به نظر ما حکم قتل مفسد فی الارض برای دفع فساد یک مسأله عقلایی است، هر چند سیره عملی نیست که بتوان به آن استناد کرد بلکه حکمی عقلایی است و هرگاه شرع و لو اجمالاً با آن موافق باشد، عرف از موافقت شارع، اطلاق این حکم را می فهمد چرا که حکم خود عرف نیز مطلق بوده است. (مؤمن قمی، بی تا، ج ۳۵: ۵۰)

البته اخیراً برخی محققان حقوقی نیز این مطلب را مورد تاکید قرار داده اند بدین بیان که: «خوشبختانه نقصان موجود با اصلاح و تفکیک قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ تا حدودی برطرف شده، و جرم انگاری افساد فی الارض محقق شده است و برخی از این جرایم دهشتناک مورد ملاحظه قانونگذار واقع شده است اگرچه انتقادات فراوانی نیز وارد شده است». (حبیب زاده، ۱۳۹۶: شماره ۲و)

**عرف (اعم از ملی و بین المللی)**

بطور کلیه جرایمی که وجدان عمومی و فطریات و حقوق طبیعی بشری به شدت را مورد خدشه و آسیب قرار دهند مظهر افساد فی الارض می باشند. البته قساد در اینجا بیشتر ناظر به جنبه افراط و از حد معمولی گذشتن در عمل ارتكابی و مورد فساد و فعل منهی عنه می باشد، نه معنای عام فساد. (تقی زاده انصاری ۱۳۸۳: ۱۵۴ و ۱۰۵ و ۲۳۲)

**قیاس مستنبط العله**

بمعنی از را تنقیح مناط میتوان در موارد فراوانی که در واقع مفسده در حد وسیع و گسترده وجود دارد و باعث تباهی حرث و نسل بشری و جوامع انسانی میشود حکم به افساد نمود. بعنوان نمونه امروزه بسیاری از مفاصد از طریق فضای اینترنتی و سایبری و مجازی عیناً وقوع می یابد و فرهنگ و اقتصاد و سیاست و کل اجتماع انسانی را مورد هجمه قرار میدهد آیا میتوان گفت منصوص نیست و دست روی دست گذاشت و نظاره گریز و منفعل بود؟ حاشا و کلا!؟

بنابر این در شأنیت وجود شرائط افساد مستوجب حد در «افساد فی الارض اینترنتی» جای شبهه نمی باشد و شیوه و شکل جرم نمیتواند در تحقق این جرم تأثیری داشته باشد، بلکه ملاک تحقق جرم افساد فی الارض و برهم زدن نظم حاکم بر جامعه و گسترش فساد در میان مردم در حد وسیع است. حال به هر شکلی که میخواهد واقع شود اعم از اینکه در عالم فیزیکی صورت گیرد و یا اینکه در محیط مجازی و اینترنتی رخ دهد. دلیل بر این مطلب آن است که اطلاقات آیه ۳۳ سوره مائده و نیز روایات وارده در رابطه با افساد فی الارض همچون روایت فضل بن شاذان که در مقام بیان مجازات مفسد می- باشند، شامل این نوع از افساد نیز میشود. گذشته از اینکه از راه تنقیح مناط نیز میتوان اجرای حد بر مفسد افساد فی الارض اینترنتی را نتیجه گرفت؛ زیرا مناط جاری ساختن حد بر شخص مفسد فی الارض با مراجعه به روایات وارده در مورد افساد فی الارض، ایجاد و گسترش فساد در حد وسیع و بر زدن نظم آنها است که بدون شک این مناط در افساد فی الارض اینترنتی نیز وجود دارد لذا از راه تنقیح مناط علاوه بر اثبات جرم بودن افساد فی الارض اینترنتی، میتوان اجرای حد را نیز بر مفسد فی الارض اینترنتی ثابت نمود.

با توجه به اثبات احراز رکن مادی و روانی در افساد فی الارض اینترنتی و با توجه به اهمیت موضوع، در رابطه با رکن قانونی باید گفت که اگرچه از باب اطلاق و یا تنقیح مناط میتوان شمولیت ماده ۲۸۶ ق. م. ا. و همچنین مواد و تبصره های دیگر مربوط به مجازات مفسدین فی الارض را نسبت به مفسدین فی الارض اینترنتی احراز نمود، با این حال از آنجا که تصریح لازمه قوانین کیفری است، شایسته است با اصلاح مواد مزبور و یا الحاق تبصره های به آن، بر این نکته تصریح گردد که اگر این گونه از افسادها در فضای مجازی هم صورت گیرد، باز هم می تواند در زمره مصادیق جرائم افساد فی الارض قرار گیرند. (مستفاد از: ایزدی فرد ۱۳۹۵؛ ۵۰)

بنابر آنچه بیان داشتیم یکی از راهکارهای اصولی در مبارزه با مفسدین فی الارض مضاف بر تمسک به قیاس منصوص العله و تشبث به قیاس مستنبط العله و از طریق تنقیح العلل ارتكابی جرایم است که در بسیاری مواضع راهگشا بوده و میتواند بخوبی سد ذریعه نمود و از جمله در ما نحن فیه، ارکان و شرایط افساد فی الارض را احراز و اثبات کرد و به مجازات مفسدین اقدام نمود

### رابطه محاربه و افساد فی الارض از نسب اربعه(عموم و خصوص مطلق)

برخی فقها معتقدند دو عنوان مذکور در آیه شریفه یکی موضوع حکم بوده و دیگری مصادیقی از آن است. («و لیعلم أن النسبة بین المحاربة و الفساد فی الارض هو العموم و الخصوص فإنه لا شک فی أن المحارب مفسد فی الارض، و المحاربة أجلی مصادیق له فی حال أنه لیس کل مفسد محارب، و البحث فعلا فی الفساد المفترق عن المحاربة.» (موسوی گلپایگانی ۱۴۱۲ ه ق ج ۳: ۳۱۵- ونیز نک: مرعشی شوشتری ۱۳۷۰: ۵۷)

در توضیح این نظر گفته شده نسبت بین افساد در روی زمین و محاربه، عموم و خصوص است به این بیان که بر هر چه محاربه صدق کند افساد در روی زمین صدق میکند. افساد در روی زمین شامل هر آنچه ذکر شد میشود. و به علاوه اعمال زنا و لواط و مساحقه و مانند اینها که حدود معین دارند؛ اما چون برای آنها عقوبت تعیین شده است، مشمول کیفرهای چهارگانه در آیه کریمه نمی شوند، مگر در صورت صدق «یسعون فی الارض فسادا» بر آنها که کیفر مفسد فی الارض در این صورت بر آنها اعمال میگردد. (محمدی گیلانی ۱۳۷۹: ۳۲۹)

از این منظر، مفسد اعم از محارب است و مسلم است که محاربه با قصد إخافه و إفساد، موضوع کیفرهای چهارگانه است و افساد فی الارض را منحصر در عنوان مذکور نمودن به دلیل عدم تعرض فقها بی وجه به نظر میآید؛ به عبارت دیگر قابل قبول نیست که چون اصحاب متعرض تفسیر محارب به وجه مذکور شده اند و از مفسد فی الارض مستقل بحث ننموده‌اند، آن را دلیل انحصار موضوع در مفهوم محارب بدانیم (هاشمی شاهرودی ۱۳۷۸: ۳۲۲)

البته عموم و خصوص به وجهی که بعضی محوریت آیه را افساد فی الارض پنداشته اند و یعنی عطف عام افساد فی الارض بر خاص که محاربه باشد، نیز صحیح به نظر نمی رسد بلکه شان صدور و محور آیه شریفه محاربه است. (نک: ابطیحی کاشانی ۱۳۶۳: ۴۰؛ سلمان پور ۱۳۸۲: ۱۴۱)

### ادله موافقان و مخالفان جرم انگاری افساد فی الارض

#### ادله طرفداران عنوان مجرمانه افساد فی الارض در قانون گذاری

برخی علما و نویسندگان بطور جد از استقلال و تصریح به عنوان مجرمانه افساد فی الارض در فرایند قانون گذاری حمایت نموده و معتقدند وجود این عنوان یکی از موثرترین راهکارهای کیفری بازدارنده و پیشگیرانه در عرصه قوانین جزایی است؛ و از پشتوانه محکم فقهی و تفسیری و روایی نیز برخوردار می باشد. این ادله را می توان اینگونه دسته بندی کرد:

#### افساد فی الارض مستقل از محاربه

عنوان افساد فی الارض و مفسد فی الارض یک عنوان مستقل از جرم محاربه و محارب می باشد. زیرا اولاً: آیه شریفه «إِنَّهُمْ أَجْرَاءُ الَّذِينَ يَحْرِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا...» در مقام بیان دو عنوان جداگانه می باشد که یکی اعم از دیگری است، زیرا افساد فی الارض در آیات دیگری که بحث محاربه مطرح نیست آمده، مانند آیه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ قَسَادٍ فِي الْأَرْضِ...» و این در حالی است که قتل نفس محاربه نمی باشد اما می تواند از مصادیق افساد فی الارض باشد.

ثانیاً: آیه در واقع می خواهد یکی از مصادیق افساد فی الارض را بیان کند تا از طرف دیگر نوعی تعلیل برای شدت گناه و جرم محاربه باشد. بنابر این عنوان افساد فی الارض مصادیق متعددی دارد که برخی از آنها عنوان معینی مانند محاربه هم دارند و میتوان محارب را بدلیل مفسد اعدام کرد. (ابطیحی کاشانی ۱۳۶۳: ۴۰)

#### تطبيق افساد فی الارض بر برخی جرائم در کلمات فقها

فقه‌های عظام در موارد متعدد دیگری به غیر از محاربه عنوان مفسد فی الأرض را به کار برده و بر برخی جرایم تطبیق داده و علت مجازات حدی آن موارد را افساد فی الأرض دانسته‌اند، در اینجا مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌گردد: مانند عادت به قتل بردگان، معتاد به کشتار اهل ذمه، ونباش، و آتش افروز و قاتل اهل ذمه و ناصبیه در دارالتقیه و... (حر عاملی ۱۴۰۹ ه ق ج ۲۱: ذیل باب محاربه)

همینطور گفته شده از نحوه اشکال بر مرحوم شیخ و جواب هایی که از آن داده اند بر می آید که موضوع «مفسد» و حکم آن از مسلمات بوده و فقط اشکال در نحوه تطبیق مرحوم شیخ دانسته اند. (ابطحی کاشانی ۱۳۶۳: ۴۲)

### رفع استبعاد تطبیق افساد فی الأرض بر جرم قاچاق مخدر

زیرا با توجه به موارد فوق دیگر نمی‌توان ادعا کرد چون در شرع عنوان افساد فی الأرض برای جرم قاچاق نیامده است، پس قاچاقچی مفسد فی الأرض نیست، بلکه با دقت در موارد مزبور و تعلیلی که فقها برای افساد فی الأرض ذکر کرده‌اند، عناصر تطبیق عنوان مفسد فی الأرض و علت تحقق آن عنوان بر قاچاقچی را می‌توان یافت. (مومن قمی، بی تا ج ۳۵: ۱۴۶؛ سلمان پور ۱۳۸۲: ۱۴۱؛ و نک: حبیب زاده ۱۳۹۶: ۱۹۶)

برخی با اذعان به استقلال افساد فی الارض از محاربه بر این عقیده اند که مفسد فی الارض منشأ فساد گسترده در محیط است، هر چند بدون توسل به اسلحه باشد؛ مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد میکنند (مکارم شیرازی ۱۳۹۲، استفتاء ۱۳۵۶۱۷؛ نوری همدانی ۱۳۸۱، استفتاء ۶۴۸۴؛ فتحی ۱۳۹۳ ج ۲: ۳۳۲؛ بنقل از وطنی و فرهود ۱۳۹۷: ۱۵۱) این گروه مجازاتهای چهار گانه برای مفسد فی الارض را قبول ندارند.

آیت اله منتظری مینویسد: «افساد فی الارض انجام هر عملی است که مسیر عادی و سلامت امنیتی و اخلاقی یا اقتصادی جامعه را برهم زند و موجب تباهی در نظام آن گردد. هر چند ایجاد هر فساد گناه و جرم است و طبعاً، و استحقاق حد یا تعزیر یا توبیخی را شرعاً در پی دارد ولی کلمه «یسعون و قید فی الارض» که در آیه محاربه در سوره مائده آمده است، حکایت از فساد خاصی میکند که ضرر آن تنها متوجه شخص گناهکار نیست، بلکه سلامت عادی یک مجتمع انسانی را بر هم میزند. ماده «سعی» دلالت بر تلاش و دویدن برای افساد و هیأت فعل مضارع دلالت بر اصرار و تداوم دارد و هیچگاه برای حکایت از انجام یک گناه معمولی چنین تعبیری معمول نیست، بلکه غلط است. (نجف‌آبادی منتظری، ۱۴۳۱: ج ۲: ۵۲۲)

### مجازات حدی مستقل افساد فی الأرض مقتضای نظام کیفری اسلام

اگر نظام جزایی اسلام و فلسفه حدود و تعزیرات مورد تدقیق قرار گیرد، در می‌یابیم که اولاً، فلسفه حدود برای جلوگیری از اختلال نظام و شیوع فساد در اجتماع است و اعمالی که تأثیر بیشتری در اختلال نظام و شیوع فساد دارند، به عنوان جرایم حدی که مصداقی از افساد فی الأرض است با عناوین مختلفی مشخص و حد آن معین شده است.

ثانیاً، جرایم بر حسب اوضاع و احوال مختلف در طول تاریخ، قابل تنوع و گسترش است و جز در موارد خاص، ابعاد و خصوصیات جمیع موارد و مقدار تأثیر آن در شیوع فساد و اختلال نظام، قابل پیش بینی نمی‌باشد. گاهی برخی از جرایمی که عنوان خاصی در شرع ندارد، فسادش در جامعه بیشتر از جرائمی است که تحت عنوان خاص مانند شرب خمر، زنا، محاربه و... تعیین شده است، لذا باید عنوان عامی مانند افساد فی الأرض در شرع جعل شده باشد که بتوان در چنین مواردی حد افساد فی الأرض در باره‌ی مرتکبین را به اجرا در آورد مانند قاچاق مواد مخدر، اشاعه فرهنگ ابتذال و هرزگی، تشکیل باندهای فساد و فحشا. نمی‌توان گفت این قبیل جرایم از باب تعزیر بوده و مجازات آن کمتر از حد است، زیرا چه بسا این ادعا موجب وهن نظام جزائی اسلام است.

### مجازات حدی افساد فی الأرض لازمه‌ی حفظ مصالح خمس

غزالی و برخی از فقهای امامیه گفته‌اند که هدف شرع حمایت از مصالح خمس بوده و جعل همه احکام اسلامی برای حمایت از آنهاست. آن مصالح عبارت است از: مصلحت دین، مصلحت عقل، مصلحت نفس، مصلحت ناموس و مصلحت مال. هر چه که متضمن حفظ این مصالح باشد، خود مصلحت است و هر چه که باعث از بین رفتن این مصالح گردد، مفسده و جرم است و بر طرف کردن مفاسد نیز مصلحتی دیگر است. (فیض ۱۳۶۴: ۷۵)

علامه مجلسی می‌فرماید: پنج چیز است که در شریعت جمیع پیامبران حفظ آن لازم و متحتم بوده: اول دین، دوم نفس، سوم مال، چهارم نسب و پنجم عقل. حفظ دین به اقامه‌ی عبادت است و کشتن کافران و مرتدان و جاری گردانیدن حدود و تعزیرات بر جمعی که اینان را سبک شمارند. حفظ نفس به قصاص کردن و دیه گرفتن است، زیرا که اگر قاتل را به عوض مقتول نکشند و جراحت کننده را به عوض، جراحت نکنند یا دیه نگیرند، کشتن و فساد در عالم بسیار می‌شود. حفظ نسب به نکاح و ملک یمین از کنیزان و منع کردن از زنا و لواط و امثال آنها و حد مرتکب را جاری گردانیدن است. حفظ مال به اجرای عقود شرعی و منع نمودن از غصب و دزدی در مال مردم و حد خدا را بر مرتکب آنها جاری گردانیدن است.

حفظ عقل که امتیاز انسان از سایر حیوانات به آن است، به منع از آشامیدن شراب و سایر چیزهای مست کننده و جاری گردانیدن حد بر آشامنده آنها است (اصفهانی، مجلسی دوم، بی تا: ۴۴)

با توجه به ضرورت حفظ مصالح مزبور هر عملی این مصالح را مورد تخریب قرار دهد میتوان آنرا تحت عنوان جرم حدی افساد فی الارض قرار داد و مجازات اشد مفسد فی الارض را که همان قتل است برای آن در نظر گرفت.

**حکم عقل:** براساس حکم مجازات شدید و برخورد قاطع با جرایم مخل به امنیت مردم و تهدید کننده امنیت عمومی و اجتماعی کیان جامعه یکی از ضروری ترین جرم انگاری های هر نظام سیاسی است. و جرم افساد فی الارض یکی از این حلقه های مفقوده ای است که اکنون بدان پرداخته شده است.

### دلالت حرف «او» بر تنويع وتفصيل واستقلال جرم افساد فی الارض از محاربه:

همانطور که در تفسیر آیه شریفه آمد مطابق ظاهر آیه شریفه و آمدن حرف تفصیل «او» میان دو عنوان محاربه و افساد فی الارض حکایت از مغایرت این دو مقوله و استقلال این دو عنوان از هم دارد. بدین ترتیب که جرم افساد فی الارض جرمی مستقل و عام تر از محاربه بوده و بسیاری از جرایم مخل امنیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی را که مغفول مانده اند را پوشش میدهد و شامل میشود.

### دلایل مخالفین جرم انگاری عنوان افساد فی الارض

همانطور که ملاحظه شد یکی از عناوین مناقشه برانگیز در قلمرو حقوق کیفری اسلام مساله «افساد فی الارض» است. عنوانی که بحث جزایی و حدی معرفی کردن یا نکردن آن در اوایل انقلاب محل تضارب آراء اندیشمندان عرصه فقه و حقوق بوده و تاکنون باموانع و مشکلات و مقاومتهای فراوانی مواجه گشته است. (حتی اکنون که مقرر جزای حدی است). قبلا اشاره شد که عنوان «افساد فی الارض» را نمی توان بعنوان یک جرم خاص مصرح حدی در قانون مجازات اسلامی تمکین نمود. مخالفین عنوان مجرمانه تلقی کردن «افساد فی الارض» به دلایل و وجوهی استناد کرده اند که اهم آنها از این قرار است:

### فقدان ویا دست کم عدم تکافوی مستندات فقهی صریح و روشن؛

در هیچ کتاب فقهی بطور مستقل و مستند جرمی اعم از حدی یا تعزیری بنام «افساد فی الارض» مورد بحث و بررسی متعارف و مرسوم فقها قرار نگرفته است. در حالیکه دعب فقها این بوده که عناوین و ابواب و مسائل فقهی را اعم از عبادیات و غیر عبادیات تا آخرین مباحث یعنی حدود و قصاص و دیات خاصه مبحث مهم حدود را با تمامی دقایق و جزئیات مورد بحث و بررسی و تنقیح و امعان نظر خویش قرار داده اند. و احکام و آداب و شئون فقهی و تفسیری هر یک را بطور صریح و روشن و مفصل بیان نموده اند در حالیکه در مورد افساد فی الارض چنین مستندی نداریم.

اجازه دهید بیان یکی از فقهای عظیم الشان را در این باره مرور نماییم: در این مجال استمداد می جوییم از بیان رسای یکی از اعظام فقها در خصوص تبیین این مناقشه مستحده:

ایشان می فرماید: سخن پیرامون مفسد فی الارض است: بعد از اینکه در نتیجه مباحث تحلیلی معلوم شد که ترتب مجازات چهارگانه مخصوص حد خاص محاربه است. پس آیا عنوان مفسد فی الارض بعنوان حدی خاص تکلیفش چه میشود؟ آیا افساد فی الارض همچنان بعنوان حدی خاص خودنمایی میکند یعنی مخیر در ترتب یکی از مجازات امور اربعه بر آن هستیم یا خیر؟ تحقیقا گفته میشود که فقهای عظیم الشان این عنوان را مهمل گذاشته اند؛ و هرگز در سخنانشان متعرض بحث پیرامون آن نشده اند. و البته در این باره بعضی از آنها بصورت بسیار جزئی و گذرا متعرض عنوان آن شده اند از آن جمله در «اشاره السبق

«و«الوسيله» شيخ علاء الدين حلبى گفته است مفسدين فى الارض همانند راهزنان غارتگران اموال مردم هستند و اگر كسى را كشتند كشته ميشوند و اگر اضافه بر قتل مالى را گرفتند بعد از اعدام وقتل به دار زده ميشوند و اگر فقط مالى را گرفته باشند بدون كشتن كسى، دست و پاى آنها در جهت خلاف قطع ميشود، و اگر مرتكب هيچ جرم ديگرى جز اخافه و ارعاب نشده باشند، نفى بلد و تبعيد ميشوند و با زندانى ميشوند تا زمانى كه توبه كند يا بميرن. (گلبايجانى موسوى ۱۴۱۲ ه ق ج ۳: ۳۱۵)

وى سپس مى نويسد ملاحظه شد كه اين بزرگوار (منظورش صاحب اشاره السبق است) مساله مفسد فى الارض را مطرح كرد و نه محارب را. (گلبايجانى موسوى ۱۴۱۲ ه ق ج ۳: ۳۱۵)

وى سپس در ادامه به بيان ابن حمزه در جزء دوم كتاب الوسيله در خصوص مفسد فى الارض اشاره ميكند و مينويسد: و اما مفسدهمان محارب است و تحقيقا از محارب به مفسد تعبير شده است به هر حال گاهى بحث در باره موضوع است و گاهى اوقات ديگر در مورد حكم؛ اما اول پس ميگويم بدون شك در اينجا منظور از فساد مفهومى عام و وسيع نيست كه شامل همه گناهان و معاصى شود، بلكه مراد از فساد در اينجا آن چيزى مى باشد كه جامعه را در مسير اختلال و ناامنى قرار دهد و موجب سلب امنيت و آسايش مردم شود و به تعبير ديگر منظور از فساد هر عملى است كه اگر مانند آن بين مردم شيوع پيدا كند موجب انحلال و از بين رفتن نظم و امنيت در جامعه ميشود. اما و افيت ان است كه در مقام ترتيب حكم بر مفسد موضوع مى بايست احراز شود بنا بر اين فساد مفهومى معين و روشن و ظاهر است و بر اساس عرف معمول و ظاهرى بر مصاديقش منطبق ميشود، يا بر اساس آنچه در لسان شارع مقدس معين شده است و در اخبار وارده آمده مانند فروش و كاسبى بازن (نعود بالله ۹ عمل ميشود. بنا بر اين مشخص شد كه نسبت بين محاربه و فساد فى الارض عام و خاص مطلق است زيرا بدون شك محارب مفسد فى الارض است و محاربه بارزترين مصداقبراي ان است، در حاليكه هر مفسدى لزوما محارب نيست فوما اكنون بحث در مورد افساد است و با محاربه فرق دارد. وى سپس به روايات وارده در حكم افساد اشاره مينمايد.. (گلبايجانى موسوى ۱۴۱۲ ه ق ج ۳: ۳۱۵)

با عنايت به اين كه فقط فقهاى متاخر و معاصر به اين مسئله اهتمام نموده اند پس افساد فى الارض مستند فقهى مطمئن و قابل اعتكايى ندارد، و عنوان جزايى دادن به آن خلاف شرع و نص صريح متون فقهى است.

اين دليل پذيرفتنى نيست؛ زيرا بر اساس مقتضيات زمان اكنون ضرورت زمان و شرايط نوين جهانى اقتضاى چنين چرم انگارى را مى نمايد و دليل اين امر اقبال علمائى بزرگوار معاصر به اين مهم و حتى تاسف بر عدم بسط مقال در اين خصوص و اعتناى لازم به اين موضوع مهم مى باشد. (فقد تلخص ان كون الإفساد فى الأرض عنواناً خاصاً لقتل المفسد أمر معهود عند فقهاءنا الإمامية قدس سرهم (مومن قمى ۱۴۱۵ ه ق: ۳۹۹)

مضافاً آنكه علاوه بر تصريح آيات شريفه روايات زيادى بر مصاديق متعددى از اين جرم اقامه شد. (نك: حبيب زاده ۱۳۹۶:

۱۹۶)

### افساد فى الارض مفهومى عام و كلى و مشكك است؛

بعبارت ديگر «افساد فى الارض» داراى كليت و شمول و گستردگى مفهومى وسيعى است پس قرار دادن چنين مفهومى مطلق و بسيطى بعنوان مقرر جزاى حدى خلاف فلسفه حدود جزاى اسلامى است كه نوع و ميزان و احكام و دقايق آن احصاء شده است. همينطور ملاك وسعت سنجى در تحقق اشاعه فساد و فحشا مبتلا به اجمال و مبهم است.. يعنى اينكه آيا منظور از وسعت، شيوع عيى و بالفعل خارجى است و يا اگر در قالب پورنو و پخش تصاوير و فيلمهاى مستهجن منتشر شود نيز شامل عنوان مجرمانه ميشود. پس ملاك تحقق اشاعه فساد و فحشا در حد وسيع از ناحيه قيد وسعت داراى ابهام بوده و قابل تامل است. بنا بر اين از نظر اصولى ابهام مفهومى به ابهام در مصداق يابى منجر خواهد شد و در مقام عمل بجاي نشر مصلحت مفاسد عملى را بدنبال خواهد داشت.

گسترش سايه مصلحت انديشى در اذهان قضات محاكم در جرم انگارى هاى سهل و سبيل افساد فى الارض و كوبيدن هر چه محكمتر بر طبل مصلحت انديشى در دفع فساد. نتيجه قهرى اين وضعيت آن خواهد بود كه هر مجرمى را ميتوان تحت عنوان مفسد فى الارض حكم به مجازات اوداد. در حاليكه شان نزول آيه شريفه وادبيات متعارف قرآنى و نيز عرف متشرعين و عقلا بر گناهان سنگين و پرخطر كه ارکان حيات اجتماعى بشرى را تهديد مى نمايد اطلاق ميشود. خصوصاً آنكه برخى فقهاى معاصر با

توجه به برخی مصلحت اندیشی ها قایل به استقلال مجرمانه افساد فی الارض شده اند. (بهجت استفتاء ۱۳۸۲/۳/۳۱ و سیستانی استفتاء ۲۰ ذی الحجه ۱۴۲۳ ق- موسوی اردبیلی استفتاء شماره ۹۱۶، ج ۱: ۱۳۹۲- و غیرهم).  
اصولا آیه شریفه ۳۳ مائده در مقام جعل حکم برای محاربه است و نه افساد فی الارض.

مفاد آیه شریفه با عنایت به شان نزول آن اجمالا نافرمانی و عصیان در مقابل حکم خداوند و انجام اقدامات خلاف نظم و امنیت عمومی مردم مسلمان بوده است، و حیث آنکه چنین اقدامات و تحرکاتی در طراز و نصاب شیوع و گسترش فساد و خرابکاری بر روی زمین قرار میگیرد. اینگونه جرایم اصطلاحاً به جرایم علیه نظم و امنیت و آسایش عمومی تعبیر میشوند. موید این برداشت از آیه شریفه اقوال علما و نظرات تفسیری مفسرین نامداری چون علامه طباطبایی (ره) در المیزان است. مضاف بر آنچه گفته شد در تقویت این دلیل میتوان گفت:

**اولا** در آیه شریفه دو مطلب یعنی «یحاربون الله والرسوله» و نیز «ویسعون فی الارض فسادا» متناظر و معطوف به هم آمده اند. اما سوالی که در این مقطع خودنمایی میکند این است که آیه شریفه در مقام جعل حکم برای چه موضوعی است؟ محاربه یا افساد فی الارض؟ مقصود غایی از شان صدور آیه شریفه کدام مطلب است؟

در پاسخ باید گفت بالاتر دید تصور اینکه آیه شریفه در مقام جعل حکم برای دو عنوان جداگانه و دو موضوع متمایز است تصویری ناصحیح و خلاف مقصد و مقصود آیه شریفه است. و اصولاً در جایگاه تشریح حکم نباید پنداشت که محاربه و افساد فی الارض دو موضوع جداگانه اند، و محاربه بارزترین مصداق آن است.

**ثانیا** اگر گفته شود دو عنوان جداگانه میباشد ولی دارای حکم واحد می باشند، یکی از آنها مطلق و دیگری مقید، طبعاً جعل حکم برای مقید که خاص است، لغو میگردد. و برای اجتناب از این لغویت مطلق بر مقید حمل میشود. در این مورد «ویسعون فی الارض فسادا» را بر «یحاربون الله والرسوله» حمل میکنیم. (امامی کاشانی ۱۳۷۱ ه. ش بخش ارزیابی آرای وحدت رویه)

**ثالثاً:** اثبات و تسری حکم مجازات محارب بر مطلق مفسد فی الارض بر خلاف اجماع و اتفاق نظر اصحاب است. زیرا آیه در مقام بیان حکم مجازات برای محاربین است. و حکم مفسد فی الارض مطلقاً از این آیه استنباط نمیشود. اساساً شایسته نیست برای «افساد فی الارض» عنوان مستقل مجرمانه ی خاصی قانونگذاری کرد، تا بتوان مصداقی برای آن در نظر گرفت.

#### جمع بندی

قانونگذار ایران در نتیجه نقد و بررسی های فراوان از سوی فقها و حقوقدانان پیرامون وحدت یا ثنویت و استقلال دو عنوان محاربه و افساد فی الارض در نهایت در سال ۱۳۹۲ این عنوان عام جزایی را به عنوان جرمی مستقل از محاربه به رسمیت شناخت، و به دسته ای خاص از جرایم اختصاص داد. لیکن از نظر برخی محققان این عنوان عام به لحاظ مقول به تشکیک بودن و تفسیر برداری و قیود عام مورد استعمال، و نیز فقدان تعریف مشخص و نیز تشکیک در مبانی استنادی از سوی برخی محافل علمی و پژوهشی با انتقادات فراوانی مواجه شده است.

اما با وجود این همه ادله اعم از آیات فراوان قرآنی و روایات و مصادیق منقوله در پرسش های معصومین (ع) و بنا به نظر برخی فقها ادعای اجماع مبنی بر جرم حدی افساد فی الارض دلیلی ندارد که مستند جرم انگاری افساد فی الارض را در آیه محاربه حصر و منجمد نماییم! بلکه از مجموعه فراوانی از آیات و روایات این حکم حدی قابل استنباط است.

البته در حد تلقی کردن و استقلال افساد فی الارض نباید تردید روا داشت. برخی فقها از جمله شیخ طوسی در تهذیب باب ۸ میفرمایند: الحد فی السرقة و الخیانه و الخلسه و نبش القبور و الخنق و الفساد فی الأرضین» این فقیه والا مقام صریحاً از افساد فی الارض بعنوان حد یا میکند. (شیخ طوسی تهذیب الاحکام ج ۱۰: ۹۹) و همینطور فقهای چون ابن حمزه در الوسيله و سلار در مراسم عنوان مفسد و افساد فی الارض را تصریح نموده اند. مضافاً آنکه فقهای متأخر با توجه به شرایط جدید بر اتقان و مسلم بودن حد افساد تصریح نموده و در مورد این جرم تشکیک روا نداشته اند. از جمله آیت اله منتظری در سوالی در استفتائات اشارتی نموده است. (منتظری ج- ۲: ۵۲۲)

بر این اساس و در راستای توجیه سیاست کیفری اراده مقنن در کفایت و حیثیت استقلالی جرم افساد فی الارض دواشکال اساسی وارده بر طرف میشود: یکی اینکه افساد در اینجا خروج موضوعی از محمول عام واقع شدن برای تمام جرائم دارد، بلکه ناظر به جرایم مصرح و احصاء شده خاصی است. دیگر آنکه سازکارهای عقلانی و عرف و رویه متعارف و حاکم بر اوضاع و احوال

همواره یار و مددکار محاکم در احراز گونه‌هایی خاص از مفاسد خواهد بود، و شبهه مقول به تشکیک بودن و تفسیر برداری فراوان مفهوم فساد در به چالش کشیدن اصول حاکم بر حقوق جزا مرتفع خواهد شد.

در این پژوهش پس از تبیین مفاهیم بنیادی و بررسی احتمالات و تبیین نسبت افساد با محاربه و بیان معیارهای کلی فساد به تحلیلی مختصری پیرامون ادله و مستندات جرم افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ را به روش تحلیلی پرداخته شده است. سپس چکیده ادله موافقان و مخالفان را نیز بیان نموده ایم. و در پایان نتیجه گرفته ایم که مانعی از جرم انگاری افساد فی الارض وجود نداشته است.

## راهکارها و پیشنهادات

- ۱- ارائه تعریفی جامع و مانع از جرم افساد برای جلوگیری برداشتهای متفاوت و حتی سوء استفاده‌ها می‌تواند محاکم را در کشف مصادیق یاری دهد.
- ۲- از نظر حقوقی قیود مورد استعمال در ماده ۲۸۶ ق.م.ا کلی و بسیار تفسیربردار هستند از آن حیث که حدود الهی ضابطه مند و معین و مقدر هستند و مرتکبین معمولاً بامجازات اعدام مواجه هستند شایسته است که مقنن در صدد اصلاح و تنقیح آن برآید و در ارتقان محتوایی و هرچه ضابطه مند بودن آن بکوشد.
- ۳- مقنن می‌بایست با احصاء مصادیق مجرمانه ی افساد فی الارض آنها را از سایر مفاهیم مشابه در قوانین متفرقه با توجه به موازین فقهی و حقوقی به طور دقیق از یکدیگر تفکیک نماید و از تداخل مصادیق برحذر دارد.
- ۴- در جرم‌انگاری مصادیق «افساد فی الارض» ضروری است قانونگذار اعمالی را که آثار مخرب گسترده‌ای نداشته یا به دفعات تکرار نشده‌اند، از شمول جرم «افساد» خارج نماید. و در جهت اصلاح و تنقیح هرچه بهتر آن برآید.
- ۵- چون قانونگذار برای تحقق افساد فی الارض بر وصف گسترده بودن عمل تاکید کرده اما معیاری برای تشخیص این موضوع بیان نکرده طبعاً تشخیص آن با قاضی است و طبیعی است که با توجه به اختلاف سلاقی قضات نتایج بسیار مختلفی حاصل شود. بنابراین مقنن می‌بایست اهتمام جدی در رفع این نقیصه نماید. (مثلاً تدارک تیم کارشناسی وو)



## منابع و مراجع

- [۱] امامی کاشانی، محمد. ۱۳۷۱ «نقد و بررسی نظریات فقهی شورای نگهبان» رهنمون، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- [۲] اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ه ق «بی تا «حدود و قصاص و دیات» در یک جلد، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران - ایران، اول،
- [۳] تقی زاده انصاری، مصطفی ۱۳۸۳ «رمینولوژی حقوق بین الملل» ناشر دادگر چاپ اول تهران
- [۴] شوشتری، سید محمد حسن مرعشی ۱۴۲۷ ه ق «دیدگاه‌های نو در حقوق» دو جلد، نشر میزان، تهران - ایران، دوم،
- [۵] فیض، علیرضا، ۱۳۶۹ ه.ش «مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام» ۲ ج، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ دوم پاییز
- [۶] صافی گلپایگانی، ۱۳۸۸ گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، مرکز تحقیقات قوه قضاییه، قم،
- [۷] مکارم شیرازی، آیت ا... ناصر ۱۴۲۳ ه.ق «استفتائات مکارم» جلد دوم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ص ۴۹۹.
- [۸] مومن قمی محمد، بی تا (حد محارب و مفسد فی الارض) مجله فقه أهل البيت عليهم السلام (بالفارسیه) ج ۳۵، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ه ق
- [۹] نعناکار مهدی، ۱۳۸۷ «افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه»، تهران، انتشارات مرسل
- [۱۰] نجف آبادی، حسین علی منتظری، رساله استفتاءات (منتظری)، ۳ جلد، قم - ایران، اول، ه ق (سؤال ۲۵۰۳) ج ۲، ص: ۵۲۱
- [۱۱] نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، معاونت آموزش قوه قضاییه، نسخه اول.
- [۱۲] نوری همدانی، ۱۳۸۹ «گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، قم،
- [۱۳] هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۷) «محارب کیست؟ محاربه چیست؟» مجله فقه اهل بیت، (فارسی) سال چهارم، شماره ۱۳
- [۱۴] هاشمی شاهرودی، سید محمود هاشمی ۱۴۱۹ ه ق «بایسته‌های فقه جزا» در یک جلد، نشر میزان - نشر دادگستر، تهران - ایران، اول،
- [۱۵] ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه ق «لسان العرب» ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم،
- [۱۶] اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲ ه ق «مفردات ألفاظ القرآن» در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول،
- [۱۷] بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳ ه ق المقنعة (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، قم - ایران، اول،
- [۱۸] حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، ۱۴۱۷ ه ق غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول،
- [۱۹] حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ ه ق
- [۲۰] جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، بی تا ه ق «النهاية فی غریب الحدیث و الأثر» ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول
- [۲۱] جوهری، اسماعیل بن حماد ۱۴۱۰ ه ق «الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة» ۶ جلد، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول،
- [۲۲] راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله ۱۴۰۵ ه ق «فقه القرآن»، ۲ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمه الله، قم - ایران، دوم،
- [۲۳] الصابونی محمد علی ۱۴۰۰ ه.ق «روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام» الناشر مكتبة الغزالی - دمشق مؤسسه مناهل العرفان بیروت الطبعة الثانية ۱۴۰۰ ه. ۱۹۸۰ م. دو جلد (ج ۱ ص ۵۴۶)
- [۲۴] فاضل لنکرانی، محمد ۱۳۹۲ تفصیل الشریعه فی تحریر الوسیله، تصحیح و تحقیق مرکز فقهی ائمه اطهار، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج.
- [۲۵] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه ق الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم،
- [۲۶] کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی، مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام، تک جلدی، ه ق

- [۲۷] گلیپایگانی، موسوی سید محمد رضا ۱۴۱۲ ه ق، الدر المنضود فی أحكام الحدود، ۳ جلد، دار القرآن الکریم، قم - ایران، اول،
- [۲۸] - طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴ «المیزان فی تفسیر القرآن» قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۹] - طبری، محمد بن جریر ۱۴۱۲ق (جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه
- [۳۰] طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ ه ق مجمع البحرین، ۶ جلد، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم،
- [۳۱] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۹۰ ه ق الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۴ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، اول،
- [۳۲] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن ۱۴۰۷ ه ق / ۱۳۷۸ «تهذیب الأحکام» ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، چهارم،
- [۳۳] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ه ق الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول،
- [۳۴] عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه ق وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول،
- [۳۵] مصطفوی، حسن ۱۴۰۲ ه ق «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» ۱۴ جلد، مرکز الکتب للترجمه و النشر، تهران - ایران، اول،
- [۳۶] مؤمن قمی، محمد، ۱۴۱۵ ه ق کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول،
- [۳۷] واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، ۱۴۱۴ ه ق «تاج العروس من جواهر القاموس» ۲۰ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول،
- [۳۸] ابطحی کاشانی سید محمد ۱۳۶۳ بحثی پیرامون مفسد فی الارض فصلنامه نور علم، شماره ۴،
- [۳۹] ایزدی فرد علی اکبر، حسین نژاد مجتبی ۱۳۹۵ «بررسی فقهی افساد فی الارض اینترنتی» فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی / سال دوازدهم / شماره چهل و چهار (صص ۲۹-۵۶)
- [۴۰] بای، حسینعلی ۱۳۸۵ «افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض چیست؟» مجله فقه و حقوق، سال سوم شماره ۹
- [۴۱] ..... حسینعلی ۱۳۸۴ «سیری در مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض» مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره هفتم.
- [۴۲] برهانی، محسن ۱۳۹۴ «افساد فی الارض ابهام مفهومی، مفسد عملی» فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جر مشناسی دوره دوم، شماره ۲ و ۳
- [۴۳] حبیب زاده، محمدجعفر ۱۳۹۶ «امکان سنجی حکم افساد فی الارض بر قاچاق کالا و ارز از منظر فقهی» دوماهنامه اقتصاد پنهان سال دوم، شماره ۲ و ۱ دیماه
- [۴۴] سلمان پور، محمدجواد. ۱۳۸۴ «مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر»، فقه اهل بیت (ع) شماره ۳۵
- [۴۵] رهبرپور محمدرضا، نورمحمدی حسین ۱۳۹۷ «چالشهای حقوقی-قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و دوم، بهار
- [۴۶] گلدوزیان ایرج و احمد زاده ابوالفضل ۱۳۸۸، «بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض» در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی ق.م. اسلامی بهار ۱۳۸۸ فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دور ۳۹ ش ۱
- [۴۷] مدرسی یزدی، محمدرضا. (۱۳۸۷) «پژوهشی در مفهوم و حکم افساد فی الارض»، مجله حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره اول.
- [۴۸] مرعشی سید محمدحسن ۱۳۷۳ «محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه» مجله حقوقی دادگستری تهران شماره ۱۰
- [۴۹] وطنی امیر فرهود نغمه ۱۳۹۲ «ضرورت بازنگری در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بر اساس دیدگاههای امام خمینی (ره) پژوهشنامه متین / سال بیستم / شماره هفتادونه / تابستان
- [۵۰] قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- [۵۱] مجموعه بخشنامه‌های شورای عالی قضایی ۱۳۶۸ - ۱۳۵۹، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، مرکز تحقیقات فقهی، اول، ۱۳۸۲، ج ۱.